



یادداشتهای روزانه

مهندس مهدی بازرگان

خاطراتی از : دوران زندان ، جوانی و سفر حج

انتشارات علم

تهران : تقاطع خیابان بهار و سمیه
ساختمان ایرج - طبقه همکف - شماره ۶

تلفن ۸۸۲۹۳۶۴

بسمه تعالی

تلک امة قدخلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم... (بقره ۱۲۴)
آنها مردمانی هدفدار بودند که رفتند. برای آنها است
دستاوردشان و برای شما است دستاوردتان...

مقدمه:

آدمیان و امت‌ها در صفی طولانی از آغاز تا انتهای تاریخ به تدریج و به نوبت صحنه حیات را ترک میکنند و با دستاوردی سبک یا سنگین به پیشگاه عدل الهی شتافته و در محضر «مالک یوم الدین» حاضر میشوند. حیوانات کاری به کردار هموعان خود ندارند و به «خود» مشغول‌اند، ولی از امتیازات آدمی همین نظاره بر عملکرد رفتگان و تجربه‌اندوزی از رفتار آنان میباید. عبرت‌گیری و بصیرت‌یابی از بندگان دیگر راههای مختلفی دارد که خاطره‌نویسی یکی از آنها است. در دوران شکوفائی تمدن اسلامی، سفرنامه و ثبت و ضبط وقایع و مشاهدات و مکتوب کردن معلومات و مسموعات بسیار رایج بوده است. اما از آنجائیکه ما امروزه بسیاری از اطلاعات در زمینه تاریخ، ادبیات، هنر، اقتصاد، اجتماع، آداب و رسوم خود را از منابع خارجی و سفرنامه‌ها و خاطرات و گزارش‌های آنان کسب کرده‌ایم، تصور میکنیم این شیوه‌ها غربی است و خاطره‌نویسی تقلیدی خودخواهانه بشمار میرود.

خوشبختانه چندین سال است که این سنت بار دیگر در این دیار رونق گرفته است، از همان سالهای اوّل پس از انقلاب، ابتدا موج مقالات و متن‌گزارش و تحقیق خبرنگاران، سفرا و کارداران، سیاستمداران و تحلیلگران غربی را در هزاران مقاله و صدها کتاب شاهد بودیم، پس از آن خاطره‌نویس‌های خودمان در داخل و خارج کشور، از امراء ارتش اسبق گرفته تا سیاستمدارهای بازنشسته و فعال، موافق و مخالف، چپ و راست، ملی و مستبد و سلطنت‌طلب و ضد سلطنت و... شروع به کار کردند و در بازار کساد کتاب، زندگی‌نامه‌ها رونق قابل توجهی گرفت. هر چند راست و دروغ و حقیقت و مجاز در بسیاری از آنها مخلوط شده، اما امید است این کار فرهنگی زمینه و بستر پربرکتی برای بهره‌گیری بهتر از گذشته برای پیمودن راه آینده گردد.

مجموعه‌ای که پیش‌رو دارید، از موضوعات متنوعی تشکیل شده که نگارنده بعنوان

«یادداشت روزانه» در دوران مختلف زندگی و بمناسبت‌های گوناگون برشته تحریر درآورده است. این یادداشت‌ها بنظر نمی‌رسد برای چاپ و مطالعه دیگران نوشته شده باشد، ثبت و ضبط وقایع و مکتوب کردن حوادث مهم زندگی و تجزیه تحلیل آن، هم عبرت می‌آموزد و هم تسلط و تمرکز به افکار و اندیشه آدمی می‌بخشد. بهمین دلیل هم نویسنده در زمان حیات خویش، علیرغم آنکه کتابها و مقالات زیادی را بطبع رسانده است، تلاشی جدی برای چاپ این یادداشت‌ها، که ساده و سریع و بی‌آلایش و بی‌آرایش نوشته شده است، شاید بدلیل احتراز از حدیث نفس، بعمل نیاورد. اما اکنونکه تقدیر الهی او را به دیار باقی برده است، بنظر بازماندگان، اطلاع هموطنان از این یادداشت‌ها و استفاده از تجربیات زندگی یکی از خدمتگزاران خود، میتواند بخواست خدا منشأ خیر و خدمتی گردد، بهمین دلیل تصمیم گرفته شد بخش‌هایی از این خاطرات را که از گزند حوادث روزگار و ابناء آن سلامت باقی مانده است تدوین و تنظیم نموده تقدیم هموطنان عزیز نماید.

این مجموعه با خاطراتی از دوران جوانی، ازدواج، استخدام، اشتغال به کار و احضار به ارتش برای اعزام قوا به سرحدات در ایام بحران خیز جنگ دوم جهانی شروع میشود و با یادداشتهای دوران زندان پنجساله (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) ختم میشود، در وسط نیز خاطراتی از سفر حج به آن اضافه شده است.

در خاطرات دوران جنگ از مقاومت مردانه لشگر تبریز و برخی لشگرهای سرحدی با افتخار و از افتضاح فرار و استعفای رضاشاه، تخلیه سربازخانه‌ها، تظاول سربازان روسی با تأسف یاد شده و گزارش عبرت‌انگیزی از روحیه و رفتار مردم داده شده است.

خاطرات دوران زندان، که بخش عمده این مجموعه را تشکیل میدهد، شامل دو قسمت؛ ۱- پیش آمدها و جریانات سیاسی داخل زندان و کل مملکت، ۲- صحبت‌های خانوادگی است. این یادداشت‌ها بتدریج و بطور مخفیانه توسط افراد ملاقات کننده یا در فاصله جلسات دادگاه به بیرون فرستاده میشد و گهگاه هم گیر می‌افتاد و از دست میرفت (همچون خاطرات بسیار با ارزش دوران تبعید به برازجان و زندگی دسته‌جمعی با افسران زندانی حزب توده). آنچه به خارج میرسید نیز چندان مصونیت نداشت و

بکرات قسمتهائی از آن بهنگام دستگیریهای بعدی مصادره میشد، بطوریکه تعدادی از آنها پس از انقلاب از اطاق یکی از بازجوهای ساواک بدست آمد! در این یادداشت‌ها نام و نشان قریب ۱۵۰۰ نفر که در آن ایام در زندان بودند یا بملاقات زندانیها می‌آمدند و یا بنحوی نقشی در مبارزه داشتند آمده است. بنابر این خلاصه و تاریخچه‌ای از مبارزات ملت ایران در پنجسال بحرانی ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ بخصوص قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ بشمار میرود.

بخش «صحبت با خانواده»، از یادداشتهای زندان نیز هر چند غیرسیاسی و بظاهر خصوصی است، اما بعد دیگری از شخصیت نویسنده را، بعنوان یک سیاستمدار و متفکر و مبارز، نسبت به همسر و فرزند و احساس تعهد و مسئولیت نسبت به آنها، علیرغم همه اشتغالات اجتماعی نشان میدهد.

باین ترتیب، هم خلاصه‌ای از پیش‌آمدهای برجسته زندگی نویسنده محسوب میشود و هم گزارش صادقانه‌ای از حوادث و قضایای معاصر میباشد. امیدواریم خالی از فایده نبوده خوانندگان را عبرت و نویسنده را مغفرت و رحمت بیفزاید.

عبدالعلی بازرگان